

قوانین ناظر بر دادرسی اطفال در حقوق کیفری ایران

میثم قلائی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

دوران طفولیت، دوران تکوین و شکل‌گیری شخصیت انسان است. امر خطیر سازندگی و تربیت اطفال علاوه بر خانواده بر عهده‌ی متصدیان امور جامعه بوده که باید با توجه و ساماندهی به موضوعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سایر عوامل در ساختن جامعه‌ی بهنجار همت گمارند. قوانین خاص اطفال باید در دادرسی و رسیدگی به جرائم اطفال معارض قانون در صدد واکنش‌هایی باشند که در جهت بازسازی شخصیت، اصلاح و تربیت و بازگرداندن آنان به یک زندگی سالم تلاش نمایند. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، دارای نوآوری‌ها و قوانینی در رابطه با سازمان و تشکیلات قضایی رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، نظیر دادسرا و دادگاه‌ها است و همچنین قوانینی نیز به تشریفات رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان اختصاص یافته است و نهادهای جدیدی نظیر مددکاری اجتماعی و پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز در این قانون پیش‌بینی شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز دارای قوانینی در رابطه با تدریجی کردن واکنش‌ها در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان معارض قانون و متناسب سازی آنها با سن ایشان است و در این میان تدابیر ویژه‌ای اتخاذ شده است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی قوانین ناظر بر دادرسی اطفال در حقوق کیفری ایران خواهیم داشت.

واژه‌های کلیدی: اطفال، دادرسی، قوانین، دادسرا، دادگاه، بزهکاری، نوآوری.

مقدمه

دوران طفولیت، دوران تکوین و شکل‌گیری شخصیت انسان است. امر خطیر سازندگی و تربیت اطفال علاوه بر خانواده بر عهده‌ی متصدیان امور جامعه بوده که باید با توجه و سامان دهی به موضوعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و سایر عوامل در ساختن جامعه‌ی بهنجار همت گمارند.

ذکر این نکته ضروری است که «کودکی عاملی است که جنبه‌ها و آثار مختلف آن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری همواره موضوع مطالعات و مقررات ویژه‌ای قرار گرفته است، زیرا صغار هم در مقابل بزهکاری و هم در مقابل بزه‌دیدگی آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به بزرگسالان دارند. به همین جهت است که بنابر توصیه‌ی جرم‌شناسی بالینی، حتی اطفال و نوجوانان بزهکار در مراجع ویژه و به موجب آیین دادرسی خاص محاکمه و موضوع اقدام‌های حمایتی-تربیتی در کانون‌های اصلاح و تربیت واقع می‌شوند؛ و بدین ترتیب، رسالت حقوق جزای صغار، حمایت و مصون کردن اطفال و نوجوانان بزهکار و بزه‌دیده در برابر تکرار جرم و تکرار بزه دیدگی است.» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۲: ۳۴۵)

قوانین خاص اطفال باید در دادرسی و رسیدگی به جرائم اطفال معارض قانون در صدد واکنش‌هایی باشند که در جهت بازسازی شخصیت، اصلاح و تربیت و بازگرداندن آنان به یک زندگی سالم تلاش نمایند. (میری رکن آبادی، ۱۳۹۴: ۳)

ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی به حقوق کودکان، قانون‌گذاران ملی را بر آن داشته است؛ که درصدد اصلاح قوانین موجود برای کودکان، بر اساس واقعیت‌های اجتماعی، برآیند و قوانین ویژه‌ای را که در بر دارنده‌ی حقوق کیفری ماهوی و شکلی باشد تدوین کنند. در ایران به طور کلی نمی‌توان گفت که سمت و سوی سیاست تقنینی در قبال کودکان بزهکار مبتنی بر ارفاق و اصلاح و درمان بوده یا مبتنی بر سرکوب و تعزیر است. چرا که مقنن پیش از آنکه اصول و مبانی عرفی حقوق کودک را مد نظر قرار دهد، ملهم از اصل چهارم قانون اساسی، موازین اسلامی را مد نظر قرار داده است؛ اما حتی در این زمینه نیز گاه به ترجمه متون فقهی شرع به طور صرف اکتفا نموده و از اجتهاد و روزآمد کردن احکام مبتنی بر واقعیات جامعه دوری گزیده است. (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۲۲۵)

در ایران پس از قانون مجازات ۱۳۰۴ که طی چند ماده به بیان نحوه دادرسی اطفال پرداخت؛ اولین قانون مربوط به تشکیل دادگاه‌های اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ به تصویب رسید و مورد توجه دادگاه‌ها و استناد احکام آنها قرار گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون‌گذار با الگوپذیری از حقوق اسلامی با اتخاذ شیوه‌ای جدید در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ رویکرد جدیدی را نسبت به بزهکاری اطفال و نوجوانان نشان داده است؛ اما اهمیت توجه به اطفال و نوجوانان بزهکار و دادرسی عادلانه نسبت به آنان اقتضای آن را داشت که یک قانون مستقل در رابطه با نحوه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان با راهکارهای جدید و اتخاذ روش‌های مؤثرتر به تصویب برسد که این اندیشه باعث ارائه لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان گردید که نهایتاً بخش ماهوی آن در قالب قانون مجازات اسلامی و بخش شکلی آن در قالب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تصویب مجلس رسید. تدوین آیین دادرسی کیفری اختصاصی اطفال و اتخاذ سیاست‌های کیفری اختصاصی به عنوان واکنش کیفری مناسب علیه کودکانی که مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند، نقش بسزایی را در تحقق اهداف سیاست‌های اجتماعی موفق و اصولی ایفا خواهد نمود. (شاملو، ۱۳۸۹: ۵)

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ دارای نوآوری‌هایی در رابطه با سازمان و تشکیلات قضایی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، نظیر دادسرا و دادگاه‌های اختصاص یافته همچنین تشریفات رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان می‌باشد و نهادهای جدیدی نظیر مددکاری اجتماعی و پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نیز پیش‌بینی شده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز نوآوری‌هایی در رابطه با تدریجی کردن واکنش‌ها در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان معارض قانون، متناسب سازی آنها با سن ایشان و اتخاذ تدابیر ویژه داشته است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی قوانین ناظر بر دادرسی اطفال در حقوق کیفری ایران در مراحل پیش از دادرسی و دادرسی خواهیم داشت.

۱- مرحله‌ی پیش از دادرسی

مرحله‌ی پیش از دادرسی، اولین مرحله ورود اطفال بزهکار به چرخه‌ی فرایند کیفری است و از آن جهت اهمیت دارد که احتمال بیشترین تهاجم علیه حقوق آنان در این مرحله وجود دارد. از آنجا که اولین برخورد کودکان و نوجوانان با دستگاه قضایی این مرحله صورت می‌گیرد و اولین برخورد نیز از قابلیت تأثیرگذاری بالایی برخوردار است که می‌تواند اقدامات سایر مراحل را نیز تحت الشعاع قرار دهد، لذا ساماندهی ساختار این مرحله جهت نیل به اهداف حمایتی و مهم‌تر از آن اهداف مبتنی بر پیشگیری رشدمدار دادرسی اطفال، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این مرحله شامل اقدامات پلیس و دادسراست که در ادامه بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۱-۱ پلیس اطفال نوجوانان

برای بسیاری از جوانان کم سن و سال، اولین برخورد و تماس آن‌ها با پلی، گاهی نقش بسیار مهمی را در زندگی آنان ایفا می‌کند؛ زیرا اگر در همین مراحل اولیه با آن‌ها به خشونت رفتار شود، برای همیشه از پلیس و حتی اجتماع خود کینه به دل گرفته و خود به خود در سلک دشمنان جامعه خویش درخواهند آمد. ولی برعکس، هرگاه در اولین برخورد در مراکز انتظامی با آن‌ها خوشرفتاری و مهربانی شود و با وضع محترمانه یا پدران از آن‌ها بازجویی و تحقیقات به عمل آید، غالباً همین خوشرفتاری کوچک کافی است که آن‌ها را از کرده خود پشیمان ساخته و به راه راست هدایت نماید. (امامی و صلاحی، ۱۳۸۹: ۹۳)

در کشورهای اروپایی معمولاً همه ساله عده‌ای از اعضای پلیس را طی دوره‌های مخصوصی با روانشناسی اطفال، شناخت علل و انگیزه‌های ارتکاب جرم و نیز طرق مواجهه و مبارزه با جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان آشنا می‌نمایند. (موسوی تبار، ۱۳۹۵: ۱۷۹۶)

در ایران نیز، به موجب ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری، به منظور حسن اجرای ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌شود. به موجب این ماده وظایف و حدود اختیارات پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به موجب لایحه‌ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می‌شود. همان گونه که در ماده ۲۹ اشاره شده است ضابطان به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند و ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و ضابطان خاص شامل مقامات و مأمورانی است که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان و ...

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود به موجب ماده ۳۱ بیان شده است که پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به منظور حسن اجرای ضابطان در نیروی انتظامی تشکیل می‌شود حال مسأله این است که آیا این نهاد در مورد حسن اجرای ضابطان عام پیش بینی شده و یا در مورد حسن اجرای ضابطان خاص و یا در هر دو مورد می‌باشد. آن چه از کلمه حسن اجرای ضابطان فهمیده می‌شود حکم به معنای عام کلمه است و بایستی جایگاه این نهاد را در هر دو گروه ضابطان بدانیم، اما با کلمات انتهایی ماده ۳۱ مشخص می‌شود این نهاد در نیروی انتظامی تشکیل می‌شود و لذا حیطة فعالیت آن در حوزه وظایف ضابطان عام قرار دارد. اهمیت این موضوع به آن دلیل است که ممکن است ضابطان خاص به موجب این ماده از انجام وظایف در خصوص اطفال و نوجوانان طفره روند و به بهانه وجود پلیس ویژه اطفال و نوجوانان از انجام وظایف قانونی سرباز زند اما آن چه در این موضوع قابل قبول است، نظریه‌ی دوم است زیرا صراحتاً در ماده بیان شده که پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی تشکیل می‌شود و این نافی وظایف ضابطان خاص در مورد اطفال و نوجوانان نیست. علاوه بر این مسأله، این نهاد به جهت حسن اجرا تشکیل شده است و ضابطان عام نیز همه در خصوص اطفال و نوجوانان وظیفه دارند ولی به منظور اجرای بهتر، دخالت این پلیس ویژه ترجیح دارد.

باید اضافه کرد با توجه به تبصره ۱ ماده‌ی ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ که عنوان می‌دارد: تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر ۱۵ سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید و دادگاه مذکور کلیه‌ی وظایفی را که طبق قانون بر عهده ضابطان و دادسرا است انجام می‌دهد؛ شاید اینگونه به ذهن متبادر گردد که پلیس اطفال جایگاهی نداشته و بهتر است عنوان این واحد تخصصی، به پلیس ویژه نوجوانان تغییر یابد. در پاسخ باید گفت که هر چند مطابق با تبصره مورد اشاره، ضابطین دادگستری حق مداخله در پرونده‌های اطفال را ندارند ولی در عمل مواردی پیش می‌آید که دادگاه انجام برخی تحقیقات را به این واحد ارجاع دهد. ماده ۴۲ نیز به نحوی این مطلب را تأیید می‌کند، چراکه بازجویی از افراد زیر پانزده را در صورت امکان توسط بازجوی زن امکان‌پذیر می‌داند. همچنان که در هر صورت، موارد جلب و دستگیری توسط نیروی انتظامی انجام می‌گیرد؛ بنابراین پلیس ویژه اطفال در حیطه انجام این وظایف دارای معنا و مفهوم بوده و باید تشکیل گردد.

۱-۲-۱ دادرسی اطفال و نوجوانان

در رابطه با رسیدگی به بزهکاری اطفال، یکی از مراجع تصمیم‌گیرنده، دادرسی اطفال و نوجوانان است؛ بدین صورت که در بیشتر کشورها، هرگاه طفل یا نوجوانی که به سن بلوغ کیفری نرسیده، مرتکب جرم شود، دادرسی اطفال وارد عمل می‌شود. تفکیک مرحله مقدماتی از رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان با عدالت سازگارتر می‌باشد، چرا که بی‌طرفی مقام رسیدگی‌کننده را در پی دارد.

یکی از نهادهای دیگری که به موجب این قانون و ماده ۲۸۵ تشکیل می‌شود دادرسی ویژه نوجوانان است. این ماده مقرر می‌دارد: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس، تشکیل می‌شود.»

۱-۲-۱-۱ دامنه‌ی صلاحیت

در مورد حیطه صلاحیت این نهاد باید گفت با توجه به ماده‌ی ۲۸۵، دادرسی اطفال و نوجوانان عهده‌دار انجام تحقیقات مقدماتی جرایم افراد پانزده تا هجده ساله است؛ تبصره این ماده نیز به انجام تحقیقات مقدماتی جرایم افراد زیر پانزده سال در دادگاه اطفال و نوجوانان، اشاره دارد. ملاحظه می‌گردد که با توجه به دامنه صلاحیت این دادسرا، دادرسی مربوطه را - با وجود عنوان آن - باید فقط دادرسی نوجوانان قلمداد نمود. چراکه صلاحیت رسیدگی به جرایم افراد زیر پانزده سال را ندارد. از این رو عنوان دادرسی نوجوانان جهت نام‌گذاری چنین نهادی مناسب‌تر است. بایستی توجه داشت عدم دخالت دادسرا در رابطه با اطفال به این معنا نیست که پرونده‌های آنان مستقیماً در دادگاه مطرح گردد. بلکه «مانند سایر جرایم ابتدا پرونده در دادسرا مطرح شده و زمانی که بازپرس شرایط ماده‌ی ۲۸۵ و تبصره آن را احراز نمود، بدون انجام اقدامی، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه اطفال و نوجوانان می‌فرستد.» (خالقی، ۱۳۹۳: ۱۷۹) افزون بر این به استناد مواد ۳۰۶ و ۳۴۰، جرایم منافی عفت و همچنین جرایم تعزیری درجه هفت و هشت نیز مستقیماً در دادگاه صالح رسیدگی می‌شوند. در تبصره ماده ۴ کنوانسیون حقوق اطفال مصوب ۱۹۸۹ چنین تصریح شده است، به تمام افرادی که کمتر از ۱۸ سال دارند طفل اطلاق می‌شود مگر این که طبق قوانین سن کبر کیفری تعیین شده باشد. (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۶۶)

۱-۲-۱-۲ بررسی تشریفات حاکم

در مورد تشریفات حاکم بر دادسرا باید گفت یکی از جنبه‌های مهم دادرسی اطفال، مشارکتی بودن آن است. این مشارکت اعم از مشارکت طفل، مشارکت والدین و مشارکت اشخاص خبره مانند متخصصان رشته‌های مختلف، به قاضی کمک می‌کند تا با ایجاد یک دادرسی مشارکتی، تصمیمی در خور مصلحت طفل اتخاذ کند و به اهداف دادرسی عادلانه دست یابد. آنچه در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است مشارکت والدین و توجه به نهاد خانواده در این مرحله از دادرسی نوجوانان است. ماده‌ی ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با توجه به این واقعیت، تغییر قابل توجهی نسبت به ماده مشابه در قانون سابق

دارد.^۱ طبق ماده‌ی ۲۸۷، در جریان تحقیقات مقدماتی بازپرس مکلف است در وهله‌ی اول نوجوانان را به والدین یا سرپرست قانونی یا در صورت عدم دسترسی یا امتناع از پذیرش آنان به هر شخص حقیقی یا حقوقی که مصلحت بداند بسپارد. بدیهی است در رابطه با اطفال که تحقیقات مقدماتی، توسط دادگاه انجام می‌گیرد، نهاد صادر کننده این قرار قاضی دادگاه است. این ماده در ادامه بیان می‌کند که در صورت ضرورت، اخذ کفیل یا وثیقه تنها از متهمان بالای پانزده سال امکان‌پذیر است. باید گفت ماده‌ی ۲۸۷ که قرارهای سالب آزادی را صرفاً در شرایط خاصی مجاز دانسته و قرارهایی را نیز که ممکن است منتهی به قرار سالب آزادی گردند، در صورت ضرورت و در رابطه با افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تجویز نموده است، مصداق بارزی از توجه به اصل مداخله کمینه‌ای حقوق کیفری قلمداد می‌گردد. «اصل حداقل مداخله، متضمن توسل به حقوق کیفری به عنوان آخرین وسیله و در حداقل موارد ضروری است.» (نوبهار، ۱۳۹۰: ۹۵)

بنابراین مشخص می‌گردد که تنها قرار صادره در این مرحله برای اطفال سپردن آنان به والدین است. چنین رویکردی همسو با ماده‌ی ۸۸ قانون مجازات اسلامی در بحث پاسخ‌دهی به اطفال بزهکار است.

۲- مرحله دادرسی

مرحله‌ی دادرسی در فرایند کیفری اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا، در این مرحله است که سرنوشت دعوای کیفری و نوع یا ماهیت پاسخ‌های حقوق کیفری به بزهکاران تعیین می‌شود. «در گستره‌ی حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، این مرحله از حساسیت بیش‌تری برخوردار است. چراکه کودکان و نوجوانان بزهکار در مرحله‌ی رشد و پرورش قرار دارند و اتخاذ هرگونه تصمیم از سوی نظام عدالت کیفری می‌تواند در آینده رفتاری آنان تأثیرگذار باشد.» (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۳۳) در این میان، مرجع صادرکننده حکم برای کودکان و نوجوانان، یکی از مهم‌ترین عوامل در بزهکاری این دسته و پیشگیری از تکرار آن به شمار می‌آید؛ بنابراین آنچه در این مرحله قابل توجه می‌باشد تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای اطفال و نوجوانان است.

دادگاه اطفال و نوجوانان به موجب ماده ۲۹۴ به عنوان یکی از زیر مجموعه‌های دادگاه کیفری تشکیل می‌شود. به موجب این ماده دادگاه‌های کیفری به دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌شود.

به موجب ماده ۴۰۸ قانون، رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد.

این دادگاه به موجب ماده ۲۹۸ قانون، با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. به موجب همین ماده، نظر مشاوران، مشورتی است.

۲-۱ دامنه صلاحیت

موضوع بسیار مهم در رابطه با این نهاد اختصاصی، دامنه صلاحیت دادگاه ویژه کودکان و نوجوانان است. در رابطه با حوزه صلاحیت شخصی دادگاه اطفال و نوجوانان ماده‌ی ۳۰۴ اینگونه بیان می‌دارد: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود.» ملاحظه می‌گردد که بر خلاف قانون سابق، رسیدگی به جرایم بالغین زیر هجده سال را نیز در همان ماده و بلافاصله بعد از کودکان عنوان نموده که گویای تغییر رویکرد قانونگذار^۲ و توجه به این واقعیت است که بالغین زیر ۱۸ سال نیز به اندازه کودکان و نابالغان نیازمند حمایت هستند؛ بنابراین قانونگذار با افزایش

^۱ - در قانون سابق ماده‌ی ۲۲۴ و تبصره ۱ آن هر نوع قرار تامین کیفری در مورد اطفال و نوجوانان را بدون لحاظ سلسله مراتبی و در عرض یکدیگر پیش‌بینی کرده بود که عبارتند از: ۱- التزام ولی یا سرپرست قانونی یا هر شخص دیگر به حاضر کردن طفل در موارد لزوم یا تعیین وجه التزام. ۲- سپردن وثیقه مناسب از طرف. ۳- لی یا سرپرست طفل یا شخص دیگر. ۳- نگهداری موقت طفل در صورت وجود شرایط قانونی.

^۲ - بر خلاف قانون آئین دادرسی کیفری سابق که ابتدا فقط جرایم اطفال را قابل رسیدگی در دادگاه اطفال می‌داند و سپس در تبصره مواد بعد، اضافه می‌کند که به جرایم بالغین زیر هجده سال نیز در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود (که گویی حالت استثنا بر موارد صلاحیت رسیدگی این دادگاه دارد) در ماده‌ی ۳۰۴، بالغین زیر هجده سال را در کنار اطفال و ذیل یک ماده ذکر کرده که حامل این پیام می‌باشد؛ رسیدگی به جرایم افراد زیر هجده سال در دادگاه اطفال، طبق قاعده‌ی اصلی و نکته مهم‌تر دیگر اینکه بر خلاف قانون ۱۳۷۸، قید نکرده است رسیدگی به جرایم بالغین زیر هجده سال، طبق مقررات عمومی خواهد بود. در نتیجه این دسته نیز مشمول قواعد حمایتی ناظر بر دادرسی اطفال می‌گردند.

گستره حمایت‌های پیش‌بینی شده در قانون، در بستر الگوی حمایتی ویژه اطفال اقدام نموده است؛ زیرا کاهش سن مسئولیت کیفری و به تبع آن کاهش حوزه صلاحیت مراجع تخصصی اطفال از آثار الگوی عدالت کیفری است که به علت رویکرد سزادهی حاکم بر آن، مناسب اطفال نمی‌باشد. لازم به ذکر است که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در رابطه با سن مسئولیت کیفری اطفال، تغییراتی داشته است و به لحاظ مسئولیت کیفری تدریجی، ذیل مواد ۸۸ تا ۹۶، قواعد ویژه‌ای را در رابطه با پاسخگویی به کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۸ سال پیش‌بینی نموده است. از این‌رو، صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان نیز در رابطه با اطفال و بالغین زیر ۱۸ سال در نظر گرفته شده تا زمینه اجرای قواعد قانون مجازات اسلامی فراهم گردد. موضوع قابل تأمل در این حوزه، تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۰۴ است. بهتر می‌بود با توجه به ملاک قرار دادن سن زمان ارتکاب، حتی اگر در زمان رسیدگی نیز سن متهم فراتر از هجده سال باشد، به جهت بهره‌مندی بیشتر آنان از رویکرد حمایتی، رسیدگی همچنان در دادگاه کودکان و نوجوانان صورت گیرد. نباید از نظر دور داشت چنین رویکردی متأثر از الگوی عدالت کیفری، رویکرد سزاگرایانه حاکم بر آن و همچنین الگوی مدیریت خطر می‌باشد. بدیهی است که همواره دستگیری و تعقیب بلافاصله بعد از ارتکاب جرم صورت نمی‌گیرد و ناتوانی دستگاه قضایی در کشف به موقع جرایم اطفال، نباید سبب محرومیت آنان از تدابیر حمایتی گردد. آنچه مهم است رسیدگی در بستر اختصاصی با در نظر گرفتن مزایای آن است و قسمت پایانی تبصره مشکلی را حل نمی‌کند. ملاک قرار دادن سن نوجوان در زمان ارتکاب جرم نیز دستگاه قضایی را با مشکل مواجه نمی‌کند؛ زیرا دادگاه اطفال، صالح به رسیدگی در رابطه با جرایم درجه ۵ تا ۸ اطفال و نوجوانان است. از سوی دیگر، طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مرور زمان جرایم تعزیری درجه ۵، هفت سال می‌باشد؛ بنابراین، حتی اگر نوجوانی در سن ۱۸ سالگی مرتکب سنگین‌ترین جرم قابل تصور در حوزه صلاحیت این دادگاه (جرم تعزیری درجه ۵) گردد و قبل از اینکه مشمول مرور زمان گردد، دستگیر شود حداکثر ۲۵ سال خواهد داشت که قاعده‌تاً رسیدگی به جرم چنین شخصی در دادگاه اطفال بسیار مناسب‌تر از رسیدگی در دادگاه بزرگسالان است؛ چراکه فرد مذکور، در دوران نوجوانی (قبل از ۱۸ سالگی) مرتکب جرم شده، لذا بی‌نیاز از حمایت‌های ویژه اطفال و نوجوانان نیست. (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۶۱)

در رابطه با صلاحیت ذاتی دادگاه کودکان و نوجوانان توجه به ماده‌ی ۳۱۵ لایحه و تبصره ۱ آن مفید به نظر می‌رسد. با نگاهی به این ماده مشخص می‌گردد که از یکسو دادگاه کیفری یک صالح در رسیدگی به جرایم نوجوانان، تخصصی است و از سوی دیگر این دادگاه صرفاً در رابطه با رسیدگی به جرایم ارتكابی «نوجوانانی» است که مرتکب جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک می‌شوند. موارد صلاحیت دادگاه کیفری یک در ماده‌ی ۳۰۲ ذکر شده است؛ بنابراین در صورت ارتکاب این جرایم توسط نابالغان، مرجع رسیدگی کننده همچنان دادگاه اطفال و نوجوانان - که دادگاهی اختصاصی است - صالح می‌باشد. با توجه به ماده‌ی ۸۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۲ این ماده امکان ارتکاب جرایم مورد بحث از سوی نابالغان نیز وجود دارد. لازم به ذکر است که نگارش اولیه‌ی ماده‌ی ۳۱۵ در ابتدا به این صورت بود که در اصلاحیه‌ی خرداد ۱۳۹۴ تغییر یافت. «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد.»

همانطور که مشخص است دامنه‌ی صلاحیت این ماده گسترده‌تر از صورت کنونی آن است و دادگاه کیفری یک ویژه‌ی اطفال که دادگاهی تخصصی است صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال را نیز داشت. افزون بر این در حال حاضر، جرایم مشمول دادگاه انقلاب در صورتی که دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان رسیدگی می‌گردند که از جمله مواردی باشد که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود، از آنجا که اصل تعدد قاضی بر دادگاه کیفری یک حاکم است، رسیدگی به چنین جرایمی در دادگاه کیفری یک قابل توجیه است؛ زیرا در این صورت می‌توان وجود قضات متعدد را نکته مثبتی نسبت به قاضی واحد دادگاه اطفال و نوجوانان تلقی کرد و آن را ارجح دانست. بدیهی است در فرضی که رسیدگی به جرایم ارتكابی داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب با یک قاضی صورت می‌گیرد، ورود دادگاه کیفری یک و افزایش صلاحیت آن نسبت به چنین جرمی قابل توجیه نخواهد بود. در چنین صورتی قطعاً بهترین و مناسب‌ترین گزینه، دادگاه اطفال و نوجوانان است؛ زیرا در فرض وحدت قاضی دادگاه انقلاب نه تنها

هیچ ارجحیتی نسبت به دادگاه اطفال ندارد بلکه اختصاصی بودن دادگاه اطفال و نوجوانان دلیل محکمی بر صلاحیت این دادگاه می‌باشد. رأی وحدت رویه ۶۵۱ مورخ ۸۹/۸/۳ نیز در مقام حل اختلاف میان دادگاه انقلاب و دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه اطفال را صالح می‌داند؛ بنابراین سکوت قانونگذار در این مورد نیز بایستی با در نظر گرفتن مصلحت کودک تفسیر گردد؛ بنابراین از آنجا که اطفال و نبالغان از گستره صلاحیت دادگاه کیفری یک ویژه نوجوانان خارج شده و صلاحیت این دادگاه محدود شده است، تغییر صورت گرفته در نگارش ماده‌ی ۳۱۵ همسو با آموزه‌های دادرسی اطفال بوده و از این رو قابل دفاع است. اما ایراد اساسی بر این ماده همچنان باقی است؛ زیرا با توجه به اینکه جرایم مشمول صلاحیت این دادگاه، اصولاً جرایم سنگین و مهمی می‌باشند، این سؤال مطرح می‌گردد که چرا چنین دادگاهی به صورت تخصصی پیش‌بینی شده است؟ در حالی که سایر جرایم نوجوانان که قاعدتاً سبک‌تر هستند، در یک دادگاه اختصاصی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. بدیهی است نوجوانان نیز نیازمند توجه ویژه قانون‌گذار هستند؛ همچنان که رویکرد کلی مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، یکسان‌سازی قواعد دادرسی اطفال و نوجوانان است. در نتیجه اتخاذ چنین سیاستی مغایر با اهداف نظام عدالت کیفری اطفال بوده و نه تنها حاکی از فقدان رویه واحد و عدم انسجام قواعد دادرسی اطفال بوده، بلکه مانعی بر سر راه دسترسی به اهداف مورد نظر می‌باشد. افزون بر این تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۳۱۴ است که بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به برخی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود.» پر واضح است با اتخاذ چنین رویه‌ای همچنان عملکرد نظام دادرسی اطفال در بستر الگوی عدالت کیفری و همچنین الگوی مدیریت خطر تبیین خواهد شد و در نتیجه از الگوی رفاه‌گرایی کیفری فاصله خواهد گرفت؛ زیرا در چنین بستری عموماً بر اراده آزاد مجرمین و مجازات آنها و همچنین کنترل جرم و مجرم‌ان تأکید گردیده و اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر عدم تساهل و تسامح، سبب فاصله گرفتن سیاست‌گذاران از رویکرد رفاه‌گرایانه می‌گردد. همچنین «الگوی عدالت کیفری ضمن تأکید بر ضرورت محاکمه اطفال در فرایند کیفری متداول که عمدتاً برای بزرگسالان تدارک دیده شده است، تفاوت‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیست-شناختی میان اطفال و بزرگسالان را نادیده می‌گیرد و با تمرکز بر مفهوم مسئولیت کیفری و عناصر آن، به توجیه واکنش‌های کیفری سخت‌گیرانه نسبت به اطفال بزهکار می‌پردازد.» (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۵)

با این توضیحات، افزایش گستره‌ی صلاحیت کیفری دادگاه یک رابطه با سایر جرایم نوجوانان، بعلاوه بروز چنین تبعات ناخوشایندی، در بستر یک الگوی حمایتی، رفاه‌گرایانه و کودک مدار تفسیر نخواهد شد. (میرکمالی و حسینی، ۱۳۹۵: ۲۶۳)

۲-۲-۲ تشکیلات دادگاه

ریاست دادگاه اطفال و نوجوانان با رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد می‌باشد و این قضات بایستی از قضات دارای ۵ سال سابقه قضایی با رعایت شرایط سنی و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند انتخاب گردد. (موسوی تبار، ۱۳۹۵: ۱۸۰۰)

به موجب ماده ۲۹۸ در کنار قاضی این دادگاه یک نفر مشاور در نظر گرفته شده است که این مشاور بر اساس ماده ۴۱۰ بایستی از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب شوند.

در خصوص نحوه انتخاب این مشاوران نیز تبصره این ماده مقرر می‌دارد: «برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید و انتخاب مجدد آنان بلامانع است»

تبصره ۲ این ماده نیز برای حمایت ویژه از اطفال اناث، مقرر نموده که در صورت مونث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران بایستی زن باشد. در متن قبل از اصلاحات صورت گرفته، قانونگذار معین نموده بود که در کنار قاضی دو نفر مشاور قرار داشته

باشد اما در اصلاحات صورت گرفته، قانونگذار تعداد مشاوران را به یک نفر کاهش داده اما فراموش نموده است تا در تبصره های ماده ۴۱۰ بازنگری نماید و چنان چه مشاهده می شود، در تبصره ۲ بیان نموده است که در صورت مونت بودن متهم حداقل یکی از مشاوران بایستی زن باشد که لفظ حداقل در اینجا اضافی بوده و بایستی مشاور در صورت امکان زن باشد. ماده ۴۱۱ نیز مقرر نموده است: «هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند رئیس دادگستری می تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مامور رسیدگی نماید.»

۲-۳ ترتیب رسیدگی

مواد ۴۱۲ تا ۴۱۷ در خصوص ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان تنظیم گردیده است. به موجب ماده ۴۱۲ در خصوص ابلاغ وقت رسیدگی مقرر گردیده است که این وقت بعد از تعیین به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ خواهد شد.

تبصره ۱ این ماده نیز مقرر کرده است هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال تمام و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می شود یعنی به جهت بلوغ نیازی به ابلاغ به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی نخواهد بود، اما استثنای وارد در این ماده ابلاغ به دادستان و شاکی را نیز از دایره شمول خارج کرده است که این امری صحیح و معقول نمی باشد. بالاخص که بر مبنای قوانین بدون ابلاغ به شاکی امکان رسیدگی معقول به نظر نمی رسد که لازم است این موضوع مورد بازنگری قرار گیرد. تبصره ۲ نیز مقرر می دارد در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرایم تعزیری که مجازات قانونی آن ها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. این تبصره نیز در واقع در جرایم اشاره شده حضور شاکی و دادستان را الزامی نمی داند و در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان امکان رسیدگی را فراهم نموده و این خود یکی از حمایت های خوب قانونگذار از اطفال و نوجوانان است و حتی چه بهتر می بود در تبصره های نیز مقرر می شد وقت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوان بایستی در اسرع وقت تعیین گردد. ماده ۴۱۳ نیز حضور اشخاص دیگر غیر از اشخاص مرتبط با پرونده را با اخذ نظر موافق دادگاه بلامانع اعلام نموده است، ولی بسی بهتر می بود که قانونگذار با قدرتی که در اختیار دارد مقرر می نمود که حدالمقدور اشخاص دیگر در دادگاه اطفال و نوجوانان حاضر نشوند. چه این که ممکن است اطفال و نوجوانان به جهت شرایطی تحت تأثیر برخی مسائل قرار گیرند و از حضور برخی از اشخاص و افراد در دادگاه احساس خاص و یا ترس داشته باشند و دادگاه از سوء نیت افراد حاضر در دادگاه باخبر نبوده و این امر در پیشبرد پرونده محل باشد هر چند عکس آن نیز ممکن است یعنی امکان دارد حضور برخی از افراد برای اطفال و نوجوانان قوت قلب بوده و به پیشبرد پرونده کمک کند، اما عقل حکم می کند به جهت حساسیت کودکان حضور سایر اشخاص در جلسه دادگاه ممنوع بوده و در صورت نیاز با نظر دادگاه اجازه داده شود. هرچند نتیجه هر دو سخن یک امر است ولی بار شدن معانی بر هر کلمه در حقوق تأثیرات بسیاری دارد و در این موضوع نیز تأکید بر ممنوعیت از تأکید صرف بر موافقت ارجح تر خواهد بود.

ماده ۴۱۴ نیز این موضوع را از زاویه ای دیگری نگریسته و بیان داشته است: «هر گاه مصلحت طفل موضوع تبصره ۱ ماده ۳۰۴ این قانون اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رای دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می شود.» در واقع قانونگذار با لفظ مصلحت اجازه داده است تا طفل در صورتی که عملاً نیازی به حضور او در دادگاه نباشد، در جلسه دادگاه حاضر نشود و این نیز یکی از حمایت های خوب این قانونگذار از اطفال و نوجوانان می باشد. علاوه بر این بهتر نیز می بود قانونگذار مشخص می کرد در صورتی که نیاز به اخذ اظهارات طفل و نوجوان باشد، بتوان اظهارات او را در خارج از دادگاه نیز اخذ نمود هرچند با همین استفاده از لفظ مصلحت در این ماده قاضی می تواند به این امر نیز دستور دهد. (موسوی تبار، ۱۳۹۵: ۱۸۰۱)

ماده ۴۱۵ نیز در خصوص تعیین وکیل برای اطفال و نوجوانان مقرر می‌دارد: «در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارزش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.»^۱

ماده ۴۱۷ نیز در خصوص رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم مقرر می‌دارد که بایستی طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر گردد و حضور طفل نیز در این رسیدگی لازم نمی‌باشد.

ماده ۴۱۸ نیز به آخرین مرحله رسیدگی یعنی ابلاغ آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان اشاره و اعلام می‌دارد بایستی علاوه بر شاکی، متهم و محکوم علیه، به ولی و سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ شود.

۲-۴ مرجع تجدید نظر و فرجام خواهی

به موجب ماده ۴۴۴ مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه‌ای از دادگاه تجدید نظر استان است که مطابق با شرایط مقرر و با ابلاغ رئیس قوه قضائیه تعیین می‌گردد. مرجع فرجام خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان، دیوان عالی کشور است. به موجب ماده ۴۴۵ نیز تمام آراء دادگاه اطفال و نوجوانان قابل تجدید نظر است. طریقه‌ی درخواست تجدید نظر نیز به موجب ماده ۴۴۶ به این صورت است که می‌توان درخواست تجدید نظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را به دفتر دادگاه صادر کننده حکم یا دفتر دادگاه تجدید نظر استان و یا چنان چه طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می‌شود به دفتر کانون اصلاح و تربیت تسلیم نمود. در خصوص این که چه کسانی می‌توانند درخواست تجدید نظر را بدهند ماده ۴۴۷ مقرر نموده است که درخواست تجدید نظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند توسط نوجوان یا ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا وکیل آنان به عمل آید. دادستان نیز هرگاه آراء و تصمیمات دادگاه را مخالف قانون بداند می‌تواند درخواست تجدید نظر نماید. مدعی خصوصی می‌تواند فقط از حکم مربوط به ضرر و زیان یا برائت یا قرار منع یا موقوفی یا تعلیق تعقیب و یا قرار بایگانی کردن پرونده تجدید نظر خواهی کند.

پیشنهاد و نتیجه‌گیری:

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقام تشکیل یک نظام دادرسی افتراقی برای اطفال و نوجوانان، تغییرات قابل توجهی داشته و نهادهای جدیدی را وارد گستره قواعد کیفری و به طور خاص، نظام عدالت کیفری اطفال کرده است. در یک نگاه کلی رویکرد جدید قانونگذار که متأثر از الگوهای حمایتی است، از ابعاد مختلفی حائز اهمیت است. هرچند در مواردی قانونگذار از الگوی حمایتی خویش فاصله گرفته و تحت تأثیر سایر الگوهای غیر حمایتی، رویکردی سزاگویانه در پیش گرفته است. قاعدتاً مؤلفه‌های پاسخ به بزهکاری اطفال در قالب یک الگوی واحد نمی‌گنجد، اما آنچه در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است توجه به الگوهای حمایتی و علت شناسانه در حوزه دادرسی اطفال است.

^۱ - باید گفت به نظر می‌رسد اهمیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان حکم می‌کند که در هر شرایطی برای اطفال و نوجوانان وکیل تعیین شود چه این که بخش پایانی این ماده که مقرر نموده نوجوان می‌تواند در جرایم تعزیری هفت و هشت از خود دفاع کند اقدام صحیحی نبوده، چه این که هر نوجوانی در سن ۱۸ سال به درجه کمال عقل نمی‌رسد و این یک مبنای کلی است و لازم است حداقل تا سن ۱۸ سال همه نوجوانان مورد حمایت قرار گیرند و به خود وا گذاشته نشوند هرچند این امر نیز با اصول تربیتی صحیح نمی‌باشد و بهتر است نوجوان برای آمادگی برای حضور در جامعه برخی مسئولیت‌ها را به عهده بگیرد اما این مساله در دادگاه امر صحیحی نمی‌باشد و ممکن است طفل در دادگاه امکان دفاع کامل از خود را نیابد و یا توسط برخی اشخاص مورد ظلم و تعدی قرار گیرد و بدون شک حضور وکیل بالاخص وکیل معاضدتی می‌تواند در جلوگیری از ظلم به اطفال و نوجوانان تأثیر گذار باشد.

چنانچه گفته شد قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در راستای حمایت از کودکان و نوجوانان اقدامات شایسته ای انجام داده است و از جمله آن ها پیش بینی نهادهای متعدد حمایت از کودکان و نوجوانان در صورت بزه کاری از زمان کشف جرم با تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و در مرحله تحقیقات مقدماتی پیش بینی دادرسی ویژه و پس از آن در مرحله رسیدگی دادگاه های اطفال و نوجوانان و دادگاه کیفری ۱ ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان و پس از صدور حکم کانون اصلاح و تربیت برای نگهداری آنان می باشد. پیش بینی تشکیلات خاص و منسجم برای هر یک از این نهادها و نیز شرح کامل وظایف در مواد مختلف از نکات قوت این قانون است. نکاتی نیز به عنوان پیشنهاد ذکر می گردد:

- ۱- به نظر می آید ایجاد دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان که در جهت رسیدگی به جرایم شامل ماده ۳۰۲ توسط نوجوانان تشکیل شده است در کنار وجود دادگاه اطفال و نوجوانان امری معقول نبوده و بهتر آن می بود به جهت آن که وحدتی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان صورت گیرد، دادگاه های کودکان و نوجوانان به دو دادگاه ۱ و ۲ تقسیم و دادگاه ۱ صلاحیت رسیدگی به جرایم ماده ۳۰۲ و دادگاه ۲ صلاحیت رسیدگی به سایر جرایم را داشته باشد.
- ۲- در اصلاحات صورت گرفته در سال ۹۴ تعداد مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان به یک نفر تقلیل یافته است و بر همین اساس در خصوص متهمان اناث بایستی مشاور دادگاه اطفال از زنان باشد اما به نظر می آید اگر تعداد مشاوران به همان میزان دو نفر تعیین می گردید بسیار بهتر از کم تر نمودن آن ها باشد. چه این که هر چند این مشاوران در صدور رأی دادگاه به طور مستقیم تاثیر ندارند ولی می توانند در پیشبرد روند رسیدگی تاثیر گذار بوده و در راستای حمایت بیشتر قدم بردارند. از این رو بالاخص در موضوع متهمان اناث وجود مشاور زن برای ارتباط راحت تر با متهم ضروری است ولی بدیهی است که زنان در برخورد با مسائل احساسی برخورد می کنند و برای تحقیق در برخی موضوعات نمی توان از آن ها بهره برد. لذا بهتر می بود که تعداد مشاوران همان دو نفر در نظر گرفته می شد تا در هر شرایطی بتوان از مشاوران خاصی بهره گرفت. علاوه بر این از آن جایی که مشاوران از رشته های مختلفی می باشند گاه لازم می آید تا در رشته های متعدد نظر کارشناسان اخذ شود و حضور کارشناسان در چند رشته لازم باشد که بهتر می بود در این زمینه نیز تمهیدی اندیشیده می شد.
- ۳- با توجه به راهکارهای پیش بینی شده در این قانون برای دادرسی و نگهداری اطفال، پیشنهاد می گردد با توجه به این که ساز و کارهای پیش بینی شده در این قانون به اصلاح و تربیت محکومان منتهی خواهد شد در جهت تداوم این اصلاح و تربیت قانونگذار قوانین مدونی برای مراقبت بعد از خروج اطفال و نوجوانان از کانون های اصلاح و تربیت تدوین نماید.

منابع

۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات سال ۱۳۹۴
۲. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲
۳. امامی نمینی، م و صلاحی، ج. ۱۳۸۹. دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار، تهران، نشر میزان
۴. جوانمرد، ب. ۱۳۸۹. بررسی جایگاه های حمایت کیفری از کودک در نظام تقنینی ایران و چالش های مرتبط با آن، مجله ی کانون وکلای دادگستری، شماره ۳۹ و ۴۰
۵. خالقی، ع. ۱۳۹۳. نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ ۳، تهران: انتشارات شهردانش.
۶. شاملو، ب. ۱۳۸۹. عدالت کیفری و اطفال، چاپ ۱، تهران: نشر جنگل.
۷. غلامی، ح. ۱۳۹۲. «الگوها یا گونه های عدالت کیفری اطفال»، آموزه های حقوق کیفری، (۶): ص ۱۰۶-۸۹.
۸. موسوی تبار، م. ۱۳۹۵. دادرسی های ویژه اطفال و نوجوانان در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بوته نقد

۹. میر کمالی، ع؛ حسینی، ا. ۱۳۹۵. دادرسی افتراقی اطفال در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲
۱۰. میری رکن آبادی، ز. ۱۳۹۴. تحولات دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
۱۱. نجفی ابرندآبادی، ع. ۱۳۹۱. درباره سن و علوم جنایی، دیباچه در: مبانی پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان، نوشته محمود رجبی‌پور، چاپ ۲، تهران: نشر میزان.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، ع. ۱۳۹۲. درباره افتراقی شدن سیاست جنایی، دیباچه در: درآمدی بر سیاست جنایی، نوشته کریستین لازرژ، چاپ ۴، تهران: نشر میزان.
۱۳. نوبهار، ر. ۱۳۹۰. «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، (۱): ص ۹۱-۱۱۴.
۱۴. نیازپور، ا. ۱۳۹۳. حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، چاپ ۱، تهران: نشر میزان.

Laws on Children's Criminal Prosecution in Iran's Criminal Law

Meisam Qalaei

Master Student of Law, Shahid Beheshti University

Abstract

Childhood is a time when human personality is formed and developed. The major task of educating children in the responsibility of not only the families, but also the community administrators, who must endeavor to construct a normal society by considering and organizing the economic, political, cultural, social and other factors. Special laws for children should seek to respond to the prosecution of juvenile offenders in such a way that they can help reconstruct the children's character and educate and restore them to a healthy life. The Code of Criminal Procedure passed in 2013 has innovations and contains laws regarding the judicial organizations such as courts and prosecutors' offices that deal with the crimes committed by children and adolescents, as well as laws concerning the procedure for the investigation of crimes committed by them, and it has predicted new institutions like the Social Work Organization and the specific Police of children and adolescents. The Islamic Penal Code, adopted in 2013, also contains laws on the gradual response to the delinquency of children and adolescents who violate the laws and on the harmonization of punishments with their age, and has taken special measures in this regard. We will try in this descriptive-analytical study to investigate the laws related to children's criminal prosecution in Iran's criminal law.

Keywords: children, criminal proceeding, laws, prosecutor's office, court, delinquency, innovation
